

The Relationship between Mothers' Emotional Intelligence and Aggressive Behaviors in Preschool Children: The Mediating Role of Children's Emotion Regulation

Yasaman Hashemi¹, Somayeh Keshavarz^{2*}

1. M.A. Student in General Counseling and Guidance, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, Iran
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

ARTICLE INFORMATION

ABSTRACT

Article type

Original Research

Pages: 333-347

Corresponding Author's Info

Email:

s.keshavarz@soc.ikiu.ac.ir

Article history:

Received: 16/03/2025

Revised: 09/07/2025

Accepted: 05/10/2025

Published online: 06/10/2025

Keywords:

Aggression, Emotional Intelligence, Emotion Regulation, Preschool Children

Background and Aim: Aggression in children can serve as a predictor of future behavioral problems such as social withdrawal, poor academic performance, interpersonal difficulties, and even more severe psychological issues during adolescence. This study aimed to examine the relationship between mothers' emotional intelligence and aggressive behaviors in preschool children, with the mediating role of children's emotion regulation. **Research Methods:** The study employed a correlational design with path analysis modeling, and the data were analyzed using AMOS software (version 24). The statistical population consisted of all preschool children in Tehran in the year 2024, from which a sample of 235 participants was selected through convenience sampling. The research instruments included the Schutte Emotional Intelligence Scale (1996), the Emotion Regulation Checklist by Shields and Cicchetti (1997), and the Aggression Questionnaire (parent version) developed by Vahedi and colleagues (2008). **Results:** Data analysis indicated a good fit between the proposed model and the empirical data. The findings revealed significant relationships between maternal emotional intelligence and child aggression, as well as between children's emotion regulation and their aggressive behaviors. Furthermore, the mediating role of children's emotion regulation in the relationship between maternal emotional intelligence and child aggression was confirmed. **Discussions:** The results of this study highlight the importance of considering both preschool children's emotion regulation and maternal emotional intelligence, particularly for children who struggle with aggression control. These findings carry important implications for counselors and families.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Hashemi Y, Keshavarz S The Relationship between Mothers' Emotional Intelligence and Aggressive Behaviors in Preschool Children: The Mediating Role of Children's Emotion Regulation *JECHE*, 6(2, 20): 333-347
DOI:10.22034/jeche.6.2.333



CrossMark



فصلنامه سلامت و آموزش در دوران کودکی

تابستان ۱۴۰۴، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، صفحه‌های ۳۳۳-۳۴۷

رابطه بین هوش هیجانی مادران با رفتارهای پرخطرانه کودکان پیش‌دبستانی: نقش میانجی تنظیم هیجانی کودکان

یاسمن هاشمی^۱، سمیه کشاورز^{۲*} 

۱. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۳۳۳-۳۴۷

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

s.keshavarz@soc.ikiu.ac.ir

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

واژگان کلیدی

پرخطرناگری، تنظیم هیجانی، کودکان

پیش‌دبستانی، هوش هیجانی

زمینه و هدف: پرخطرناگری در کودکان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری آینده مانند انزوای اجتماعی، عملکرد ضعیف تحصیلی، مشکلات رفتاری و ارتباطی و حتی مشکلات روان‌شناختی شدیدتر در دوران نوجوانی باشد. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط هوش هیجانی مادران و رفتارهای پرخطرناگری کودکان پیش‌دبستانی با نقش میانجی تنظیم هیجانی کودکان انجام گرفت. **روش پژوهش:** روش همبستگی از نوع الگویابی تحلیل مسیر بود و داده‌ها از طریق نرم‌افزار ایموس ۲۴ تجزیه و تحلیل شدند. جامعه آماری شامل کلیه کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. از این میان، ۲۳۵ نفر به شیوه در دسترس به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه هوش هیجانی شرینگ (۱۹۹۶)، سیاهه تنظیم هیجانی شیلدرز و سیجنتی (۱۶۶۷) و پرسش‌نامه پرخطرناگری واحدی و همکاران فرم والدین (۲۰۰۸) بود. **یافته‌ها:** نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از برازش مطلوب مدل پژوهش با داده‌های تجربی بود. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی مادران با پرخطرناگری کودکان و بین تنظیم هیجانی کودکان با پرخطرناگری کودکان، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، طبق نتایج نقش واسطه‌ای تنظیم هیجانی کودکان در رابطه هوش هیجانی مادران با پرخطرناگری کودکان تایید شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت توجه به نقش تنظیم هیجانی کودکان پیش‌دبستانی و همچنین هوش هیجانی مادران، به ویژه در کودکانی که در کنترل پرخطرناگری دچار مشکل هستند، برای مشاوران و خانواده‌ها تأکید می‌کند.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

هاشمی، یاسمن؛ کشاورز، سمیه (۱۴۰۴). رابطه بین هوش هیجانی مادران با رفتارهای پرخطرناگری کودکان پیش‌دبستانی: نقش میانجی تنظیم هیجانی

کودکان. فصلنامه سلامت و آموزش در دوران کودکی، ۶ (۲): ۳۳۳-۳۴۷

مقدمه

کودکان با ورود به سال‌های پیش‌دبستانی، شروع به درک پیچیدگی‌های احساسات خود می‌کنند و در این مرحله است که الگوهای رفتاری آن‌ها، از جمله پرخاشگری^۱ برجسته‌تر می‌شود (سان و همکاران^۲، ۲۰۲۴). کودکان پیش‌دبستانی، معمولاً در سنین چهار تا شش سال، در یک دوره حساس رشد قرار دارند که در آن یاد می‌گیرند چگونه احساسات خود را در پاسخ به محرک‌های اجتماعی و محیطی مدیریت کنند (نوارو و همکاران^۳، ۲۰۲۲؛ لی و همکاران^۴، ۲۰۲۲). یکی از مشکلات اساسی که کودکان با آن روبه‌رو می‌شوند، مشکلات رفتاری^۵ است و پرخاشگری، شایع‌ترین مشکلات رفتاری در کودکان است (شیرمحمدی و همکاران، ۲۰۲۴). پرخاشگری که از طریق رفتارهایی مانند ضربه زدن، لگد زدن، فریاد زدن یا حتی پرخاشگری کلامی ظاهر می‌شود، یک واکنش رایج به سرخوردگی یا نیازهای برآورده‌نشده است (نارد و همکاران^۶، ۲۰۲۴). پرخاشگری کودکان، رفتاری عمدی و تکرارشونده است که کودک با به‌کارگیری روش‌های فیزیکی یا کلامی در پی آسیب‌رساندن، کنترل یا ترساندن دیگران انجام می‌دهد (مستوفی و همکاران، ۲۰۱۸؛ چانگ و همکاران^۷، ۲۰۰۳؛ کرفت و همکاران^۸، ۲۰۲۳). این رفتارها معمولاً زمانی بروز می‌کنند که کودکان نتوانند احساسات خود را به طور مؤثر بیان کنند یا احساسات شدیدی مانند عصبانیت یا سرخوردگی را تنظیم کنند (مورالسو همکاران^۹، ۲۰۲۴؛ بلک و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲). تحقیقات نشان داده‌اند که پرخاشگری اولیه در کودکان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری آینده و عدم انطباق باشد، مانند انزوای اجتماعی، عملکرد ضعیف تحصیلی و حتی مشکلات روان‌شناختی شدیدتر در دوران نوجوانی (سیلوا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۴؛ ترمبلی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۴). بنابراین، پرداختن به عواملی که به پرخاشگری در کودکان پیش‌دبستانی کمک می‌کنند، برای کاهش چالش‌های توسعه‌ای بلندمدت بسیار مهم است.

یکی از عوامل مهم که توانایی کودک در تنظیم احساسات^{۱۳} خود و به تبع آن احتمال بروز پرخاشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، محیط احساسی است که توسط مراقبان کودک، به ویژه مادران آن‌ها، ایجاد می‌شود (موریفاه و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۲؛ پیر احمدی و زینعلی، ۲۰۲۴؛ رضایی فرد و همکاران، ۲۰۲۵). پیوند عاطفی بین مادر و کودک در رشد کودک بسیار حائز اهمیت است (پیراحمدی و زینالی، ۲۰۲۴؛ محمدزاده و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات نشان داده است که رابطه مادر و کودک بر روی تکانشگری کودک تأثیر گذار است (حسنی و همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، رابطه مادر و کودک نقش به‌سزایی در رشد هیجانی^{۱۵} کودک دارد (نجمی و همکاران، ۲۰۲۴؛ حسینی و همکاران، ۲۰۲۴؛ سیفی و همکاران، ۲۰۲۴). هوش هیجانی مادران^{۱۶}، نقش حیاتی در شکل‌دهی به این محیط دارد (جیمز و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۱؛ گلچین و حسینی نسب، ۲۰۱۳). هوش هیجانی، به‌طور تعریف‌شده شامل توانایی درک، فهم، تسهیل و مدیریت احساسات در خود و دیگران است (نیدا و همکاران^{۱۸}، ۲۰۲۴؛ ژنگ و همکاران^{۱۹}، ۲۰۲۱). مادرانی

^۱ Aggression^۲ Sun, Y & et al^۳ Navarro, R & et al^۴ Lee, J & et al^۵ Behavioral problems^۶ Nærde, A & et al^۷ Chang, L & et al^۸ Kraft, L & et al^۹ Morales, M & et al^{۱۰} Blok, E & et al^{۱۱} Silva, C & et al^{۱۲} Tremblay, R & et al^{۱۳} Emotion regulation^{۱۴} Muarifah, A & et al^{۱۵} Emotional growth^{۱۶} Maternal emotional intelligence^{۱۷} Jiménez, E & et al^{۱۸} Nida, S & et al^{۱۹} Zheng, Y & et al

که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، قادرند واکنش‌های هیجانی مناسب را به فرزندان خود آموزش دهند (کابلو و همکاران^۱، ۲۰۲۱). آن‌ها می‌توانند حمایت هیجانی فراهم کرده و فضایی امن ایجاد کنند که در آن کودکان احساس امنیت کنند تا بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، احساسات خود را بیان کنند. این محیط حمایتی باعث تشویق به توسعه خودتنظیمی^۲ در کودکان می‌شود که برای کنترل تکانه‌های هیجانی و کاهش تمایلات پرخاشگرانه ضروری است (لین و همکاران^۳، ۲۰۲۲). چندین مطالعه نشان داده‌اند که کودکان مادرانی که هوش هیجانی بالاتری دارند، معمولاً مهارت‌های اجتماعی^۴ بهتر، روابط مثبت‌تر و مشکلات رفتاری کمتری از جمله پرخاشگری از خود نشان می‌دهند (گارنر و همکاران^۵، ۲۰۰۸؛ برایش-ژاژگانک^۶، ۲۰۱۴؛ ناواس کاسدو و همکاران^۷، ۲۰۲۳). در مقابل، مادرانی که هوش هیجانی کمتری دارند ممکن است نتوانند حمایت هیجانی لازم را برای کمک به فرزندان خود در توسعه مهارت‌های تنظیم هیجانی^۸ مؤثر فراهم کنند (بیازیت و همکاران^۹، ۲۰۲۴؛ لائو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲). این مادران ممکن است کمتر به نیازهای هیجانی فرزند خود پاسخ دهند که این می‌تواند به کودک احساس عدم حمایت دهد. در این شرایط، کودکان احتمال کمتری دارد که استراتژی‌های تنظیم هیجانی سازگار را توسعه دهند و ممکن است بیشتر در معرض رفتارهای واکنشی مانند پرخاشگری قرار بگیرند (بردی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳). زمانی که مادران مدل‌سازی بیان یا تنظیم هیجانی سالمی نداشته باشند، کودکان ممکن است این الگوهای ناسازگار را در خود درونی‌سازی کنند و باعث می‌شود که این رفتارهای ناسازگار را در تعاملات اجتماعی خود تقلید کنند. این پویایی نشان می‌دهد که هوش هیجانی نه تنها در رابطه مادر و کودک بلکه در توسعه هیجانی کلی کودکان نقش حیاتی ایفا می‌کند (گنزالز و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۳).

یکی از مکانیزم‌های کلیدی که از طریق آن هوش هیجانی مادر بر پرخاشگری کودکان تأثیر می‌گذارد، تنظیم هیجانی است (گویتز و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۳). تنظیم هیجانی به فرآیندی اشاره دارد که در آن افراد پاسخ‌های هیجانی خود را به گونه‌ای نظارت، ارزیابی و تعدیل می‌کنند که برای جامعه قابل قبول و برای خودشان مؤثر باشد (کرفت و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۳). در زمینه کودکان پیش دبستانی، تنظیم هیجانی برای کاهش واکنش‌های تکانشی، مدیریت سرخوردگی‌ها و ترویج رفتارهای پرورشی بسیار ضروری است. کودکانی که در تنظیم احساسات خود ماهر هستند، در مواجهه با موقعیت‌های هیجانی پرتنش، کمتر احتمال دارد که به صورت پرخاشگرانه عمل کنند (ناواس-کاسادو و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۳؛ موریس و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، کودکانی که در تنظیم هیجانی مشکل دارند، ممکن است بیشتر در معرض انفجارهای پرخاشگرانه قرار گیرند، زیرا هنوز استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثری برای مدیریت احساسات منفی نیاموخته‌اند (لیو و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۳؛ پائولز و همکاران^{۱۸}، ۲۰۲۱؛ ریتسما و همکاران^{۱۹}، ۲۰۲۳).

توانایی کودکان در تنظیم احساسات خود تحت تأثیر تعاملاتشان با مراقبان، به‌ویژه مادران، قرار دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که

^۱ Cabello, R & et al

^۲ Self-regulation

^۳ Lin, G & et al

^۴ Social skills

^۵ Garner, P & et al

^۶ Brajša-Žganec, A & et al

^۷ Navas-Casado, M & et al

^۸ Emotion Regulation

^۹ Beyazit, U & et al

^{۱۰} Lau, E & et al

^{۱۱} Brady, R & et al

^{۱۲} González, M & et al

^{۱۳} Gutiérrez, M & et al

^{۱۴} Kraft, L & et al

^{۱۵} Navas-Casado, M. L., García-Sancho, E., & Salguero, J. M

^{۱۶} Morris, A & et al

^{۱۷} Liu, F & et al

^{۱۸} Paulus, F & et al

^{۱۹} Reitsem, A & et al

مادرانی که هوش هیجانی بالایی دارند، بیشتر احتمال دارد به فرزندان خود کمک کنند تا احساسات خود را شناسایی کرده، نام گذاری کنند و آن‌ها را به شیوه‌ای مناسب ابراز کنند (لوسیاه^۱، ۲۰۲۲). طی مطالعات انجام شده مشخص شده که سطوح دلبستگی بین مراقب و کودک بر روی تنظیم هیجان کودک تاثیر معنادار می‌گذارد (نجمی و همکاران، ۲۰۲۴). ابراز هیجانی والدین از طریق تأثیر بر تنظیم هیجانی کودکان، بر پیامدهای اجتماعی و رفتاری آن‌ها اثر می‌گذارد. در این چارچوب، تنظیم هیجانی کودکان نقش میانجی بین هیجانات ابراز شده مادر و مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری ایفا می‌کند (ایسنبرگ و همکاران^۲، ۲۰۰۱). این مادران می‌توانند فرزندان خود را در مواجهه با چالش‌های هیجانی راهنمایی کرده و به آن‌ها آموزش دهند که چگونه خود را آرام کنند و به احساسات دشوار پاسخ دهند. این راهنمایی‌های هیجانی به کودکان کمک می‌کند تا تاب‌آوری هیجانی بسازند که به نوبه خود احتمال پرخاشگری را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، هوش هیجانی مادر ممکن است به کودک در توسعه مهارت‌های اجتماعی-هیجانی، مانند همدلی و درک موقعیت‌های دیگران که برای تنظیم احساسات و مدیریت تعارض‌ها در روابط ضروری هستند، کمک کند (سیرگار و سیت^۳، ۲۰۲۴). هنگامی که کودکان یاد می‌گیرند احساسات خود را به‌طور مؤثر مدیریت کنند، احتمال کمتری دارد که از پرخاشگری برای ابراز سرخوردگی یا حل تعارض‌های بین فردی استفاده کنند (برینکمن و همکاران^۴، ۲۰۲۴).

با توجه به مطالبی که در رابطه با ارتباط متغیرهای پژوهش بیان شد، شاید شناخت مؤلفه‌های در ارتباط با پرخاشگری کودکان علاوه بر فهم بهتر و دقیق‌تر این مؤلفه‌ها، بتواند پژوهشگران و متصدیان حوزه سلامت روان را در طراحی و به کارگیری مداخلات روانی اجتماعی دقیق و مؤثر یاری بدهد. با توجه به تحقیقات انجام شده در حوزه‌های متغیرهای مورد نظر، پژوهش جامعی که به بررسی متغیرها در قالب مدل ساختاری در جامعه ایران و بر روی کودکان پیش‌دبستانی پرداخته باشد، یافت نشد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش حاضر شامل موارد زیر بود: بین هوش هیجانی مادران و پرخاشگری کودکان رابطه وجود دارد. بین تنظیم هیجانی و پرخاشگری کودکان رابطه وجود دارد. تنظیم هیجانی کودکان در رابطه هوش هیجانی مادران با پرخاشگری کودکان نقش میانجی دارد.

روش پژوهش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی و الگویابی تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی کودکان پیش‌دبستانی مناطق دو و سه شهر تهران، در سال ۲۰۲۴ بود که از بین آن‌ها ۲۳۵ نفر به شیوه در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و سپس پرسش‌نامه‌های پژوهش توسط مادران این دانش‌آموزان تکمیل شد. درباره‌ی حجم نمونه در پژوهش‌های مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع الگویابی تحلیل مسیر، نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که الگویابی تحلیل مسیر، شبیه تحلیل عامل از فنون آماری است که با نمونه‌ی بزرگ قابل اجرا است (تاباکنیک و فیدل^۵، ۲۰۰۱). بومسما^۶ (۱۹۸۳؛ به نقل از تاباکنیک و فیدل، ۲۰۰۱) حداقل حجم ۲۰۰ نفر را برای برازش مدل کافی دانسته است. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل تمایل و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از مطالعه نیز شامل عدم تمایل و رضایت فرد برای همکاری یا ابتلا به هر یک از بیماری‌های مزمن روان‌پزشکی و تکمیل ناقص ابزارها در نظر گرفته شد.

^۱ Lusiyah, H & et al

^۲ Eisenberg, N & et al

^۳ Siregar, K. & Sit, M

^۴ Brinckman, B & et al

^۵ Tabachnick, B. G & Fidell, L. S

^۶ Boomsma, A

(ب) ابزار پژوهش**۱- پرسش نامه پرخاشگری پیش دبستانی^۱ (۲۰۰۸):**

این پرسش نامه توسط واحدی و همکاران (۲۰۰۸) برای والدین کودکان پیش دبستانی به منظور سنجش ابعاد مختلف پرخاشگری در کودکان سنین پیش دبستانی طراحی گردیده است و توسط والدین تکمیل می گردد. این پرسش نامه دارای ۴۳ گویه با رتبه بندی لیکرت پنج گزینه ای از اصلاً (نمره ۰) تا اغلب روزها (نمره ۴) نمره گذاری می شود و شامل یک نمره کلی و چهار زیرمقیاس: پرخاشگری کلامی-تهاجمی، پرخاشگری فیزیکی-تهاجمی، پرخاشگری رابطه ای و خشم است. نمره کل این پرسش نامه می تواند بین ۰ تا ۱۷۲ در نوسان باشد که نمره بالا نشان دهنده میزان بالای پرخاشگری در کودکان است. واحدی و همکاران (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۸ گزارش کردند و روایی آن را با روش تحلیل عاملی تأییدی بررسی نمودند. نتایج نشان داد بارهای عاملی تمامی گویه های پرسش نامه بالای ۰/۴۰ بوده است و در نهایت، این پژوهشگران نتیجه گرفتند که پرسش نامه اندازه گیری پرخاشگری می تواند به عنوان یک ابزار پایا و معتبر در محیط های آموزشی، پژوهشی و بالینی به کار رود. در نمونه پژوهش حاضر نیز، پایایی کل این آزمون با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد.

۲- پرسش نامه هوش هیجانی^۲ EIQ (۱۹۹۶):

این پرسش نامه که توسط سیبیریا و شرینگ (۱۹۹۶) بر اساس معیارهای تست هوش هیجانی گلن^۳ (۱۹۹۵) ساخته شده است، به منظور سنجش سطح هوش هیجانی افراد به کار می رود. این پرسش نامه حاوی ۳۳ گویه است که با مقیاس پنج درجه ای لیکرت از همیشه (نمره ۵) تا هرگز (نمره ۰) درجه بندی می شود و پنج حوزه: خودآگاهی^۴، خودکنترلی^۵، همدلی^۶ و مهارت های اجتماعی^۷ را اندازه گیری می کند و نمره کل هوش هیجانی از جمع نمرات خرده مقیاس های آن به دست می آید. کمترین نمره کسب شده در این آزمون، ۳۳ و بیشترین آن، ۱۶۵ است. نمره بالا در این آزمون، نشان دهنده هوش هیجانی بیشتر است. پایایی این مقیاس در نسخه اصلی، ۰/۸۵ محاسبه شده و روایی آن به وسیله ضریب کندال، ۰/۹۳ محاسبه شده است. این مقیاس در ایران توسط قنبرلو و مینایی (۲۰۱۷) هنجاریابی شده و روایی سازه آن از طریق سنجش همبستگی نمرات آزمودنی ها و تست عزت نفس کوپر اسمیت^۸ (۱۹۸۱) ۰/۶۳ محاسبه شده و پایایی آن به شیوه ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۶ محاسبه گردیده است. پایایی کل این آزمون بر اساس نمونه پژوهشی حاضر به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ به دست آمد.

۳- سیاهه تنظیم هیجان^{۱۰} ERC (۱۹۹۷):

این مقیاس توسط شیلدز و سیجی^{۱۱} (۱۹۹۷) به منظور بررسی فرآیندهای هیجانی و تنظیم هیجان ها از جمله بی ثباتی عاطفی، شدت، ظرفیت، انعطاف پذیری و تناسب موقعیتی در کودکان طراحی شده است. این مقیاس دارای ۲۴ گویه و دو خرده مقیاس «تنظیم انطباقی هیجان» و «بی ثباتی هیجانی» است که در طیف لیکرته چهار درجه ای (از هرگز=۱ تا همیشه=۴) نمره گذاری می شود. پایایی مقیاس به شیوه ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش سازندگان، ۰/۸۳ و روایی همگرایی آن ۰/۵۵-۲ گزارش شده است. در ایران، این مقیاس هنجاریابی شده و پایایی آن در پژوهش آقایی میبودی و همکاران (۲۰۱۸) ۰/۷۸ به دست آمد. همبستگی مؤلفه تنظیم

^۱ Aggression Scale for Preschoolers^۲ Siberia and Schering Emotional Intelligence questionnaires^۳ Goleman Emotional Intelligence Test^۴ Spontaneity^۵ Self-awareness^۶ Self-control^۷ Empathy^۸ Social skills^۹ Cooper Smith Self-Esteem Test^{۱۰} Emotion Regulation Checklist^{۱۱} Shields, A., & Cicchetti, D.

انطباقی هیجان با سیاهه رفتار آخنباخ منفی ۰/۳۵ و همبستگی مؤلفه بی‌ثباتی هیجانی با مقیاس ذکر شده ۰/۵۷ گزارش شده است. پایایی کل این آزمون بر اساس نمونه پژوهشی حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

ج) شیوه اجرا

شیوه اجرا بدین گونه بود که ابتدا به اداره آموزش و پرورش کل شهر تهران مراجعه شد و پس از کسب مجوزهای لازم، به مدارس پیش دبستانی مناطق دو و سه شهر تهران مراجعه شد و پس از هماهنگی با مسئولین مربوطه، اطلاعات لازم در مورد داوطلبانه بودن و عدم اجبار در پاسخ‌گویی به ابزار پژوهش، عدم ذکر نام و مشخصات اصلی، محرمانه بودن پاسخ‌ها، نحوه پاسخ‌گویی به ابزارها، صداقت در پاسخ‌گویی و کمک در جهت انجام یک پژوهش معتبر به گروه نمونه بیان شد. سپس پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. اصول اخلاقی در پژوهش حاضر شامل ۱- رضایت آگاهانه و داوطلبانه، ۲- حق انصراف از پژوهش، ۳- حریم خصوصی/رازداری، ۴- اجتناب از آسیب رساندن، ۵- اجتناب از تبعیض، ۶- عدم استثمار و ۷- ضرر ناشی از مشارکت در پژوهش بود. اطلاعات گردآوری شده به روش الگویابی تحلیل مسیر^۱ با استفاده از نرم‌افزار ایموس^۲ نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل شد. قبل از اجرای آزمون، مفروضه‌های تحلیل مسیر از جمله نرمال بودن تک متغیری و چندمتغیری و مفروضه عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که ۵۴ درصد از کودکان، دختر و ۴۶ درصد نیز پسر بودند. میانگین سنی و انحراف معیار مادران گروه نمونه ۷/۱۶±۲۹/۵۵ بود. ۱۶ درصد از مادران گروه نمونه مدرک تحصیلی دیپلم، ۶۷ درصد مدرک تحصیلی لیسانس و ۱۷ درصد نیز مدرک تحصیلی فوق لیسانس داشتند. در جدول (۱)، یافته‌های توصیفی مقیاس‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مقیاس‌های پژوهش

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
هوش هیجانی مادران	۶۲/۳۹	۱۰/۵۸	۰/۳۹	۰/۲۵
تنظیم هیجانی انطباقی	۲۱/۳۵	۲/۸۸	۰/۷۷	-۰/۰۹
بی‌ثباتی/منفی‌گرایی	۳۷/۶۳	۴/۱۲	-۰/۰۹	۰/۴۳
رفتارهای پرخاشگرانه	۵۶/۶۱	۱۱/۱۰	-۰/۹۵	۰/۱۸

در جدول (۱)، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. همچنین طبق جدول (۱)، ارزش‌های چولگی و کشیدگی نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش توزیع نرمال دارند.

یکی از مفروضه‌های الگویابی تحلیل مسیر نرمال بودن توزیع چندمتغیری است. برای این منظور در نرم‌افزار ایموس از ضریب کشیدگی چندمتغیری ماردیا^۳ استفاده می‌شود. مقدار ضریب ماردیا برای داده‌های پژوهش حاضر برابر با ۳/۱۲ است که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن چندمتغیره برقرار است. برای بررسی نرمال بودن تک متغیری یک معیار کلی توصیه می‌کند که چنانچه کجی و کشیدگی در بازه (۲، ۲-) نباشند، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. بر اساس داده‌های جدول (۱)، مشخص می‌شود که شاخص کجی و کشیدگی

^۱. Path analysis

^۲. AMOS

^۳. Mardia's multivariate elasticity coefficient

هیچ یک از نشانگرها خارج از بازه (۲، -۲) نیست و بنابراین می توان آن ها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. جهت بررسی عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل از شاخص تحمل و عدم تراکم واریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲: شاخص تحمل واریانس و عامل تراکم واریانس به منظور ارزیابی عدم وجود اثر هم خطی بین متغیرهای مستقل

متغیرهای پیش بین	تحمل	عامل تراکم واریانس
هوش هیجانی مادران	۰/۹۲	۱/۱۶
تنظیم هیجانی انطباقی	۰/۹۷	۱/۰۹
بی ثباتی/منفی گرایی	۰/۹۵	۱/۱۲

در جدول (۲)، چون شاخص تحمل واریانس نزدیک به ۱ است؛ لذا هیچ یک از متغیرهای پیش بین با سایر متغیرهای پیش بین اثر هم خطی ندارد. همچنین، مقدار شاخص عامل تراکم واریانس کمتر از ۲ است، لذا بین متغیرهای پیش بین اثر هم خطی وجود ندارد. نظر به این که اساس الگویابی تحلیل مسیر بر مبنای ماتریس واریانس-کوواریانس یا همبستگی بین متغیرها است، لذا در جدول (۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	هوش هیجانی مادران	تنظیم هیجانی انطباقی	بی ثباتی/منفی گرایی	رفتارهای پر خاشگرانه
هوش هیجانی مادران	۱			
تنظیم هیجانی انطباقی	۰/۴۱**	۱		
بی ثباتی/منفی گرایی	۰/۳۷**	-۰/۲۶**	۱	
رفتارهای پر خاشگرانه	-۰/۵۰**	-۰/۳۲**	۰/۴۹**	۱

نتایج جدول (۳) نشان می دهد رابطه بین متغیرهای پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است ($p < ۰/۰۵$). به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از الگوی تحلیل مسیر و نرم افزار ایموس نسخه ۲۴ بهره برده شده است. در جدول ۴، مهم ترین شاخص های آزمون برازش، مدل مفهومی پژوهش گزارش شده است. برای بررسی برازش الگوی اندازه گیری از شاخص های نسبت مجذور خی بر درجه آزادی^۱، ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده^۲، شاخص نیکویی برازش^۳، شاخص برازش افزایشی^۴، شاخص برازش تطبیقی مقتصد^۵، شاخص برازش تطبیقی^۶ و شاخص برازش هنجار شده مقتصد^۷ استفاده شد.

جدول ۴: شاخص های برازش الگوی پژوهش

شناسه های برازش	χ^2/df	GFI	PCFI	PNFI	CFI	IFI	RMSEA
الگوی پژوهش	۲/۴۴۷	۰/۹۲۱	۰/۷۷۹	۰/۷۸۳	۰/۹۳۷	۰/۹۱۹	۰/۰۶۴

*میزان قابل قبول شاخص ها PCFI, PNFI ($> ۰/۵$)، CFI, GFI, IFI ($> ۰/۹$)، RMSEA ($> ۰/۸$)، CMIN/DF (۳)، خوب؛ ۵، قابل قبول)

^۱ χ^2/df

^۲ Root mean square error of approximation (RMSEA)

^۳ Goodness of fit index (GFI)

^۴ Incremental fit index (IFI)

^۵ Parsimony comparative fit index (PCFI)

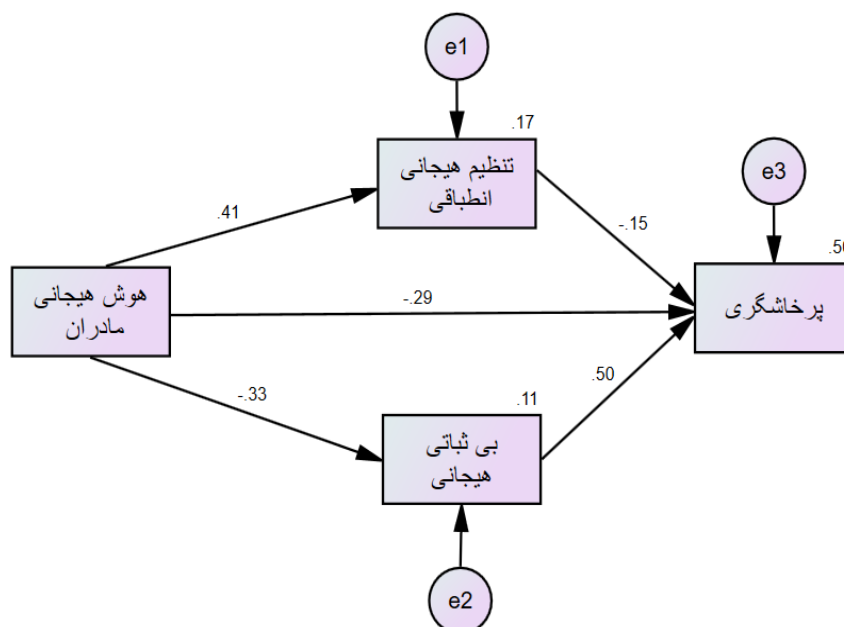
^۶ Comparative fit index (CFI)

^۷ Parsimony normed fit index (PNFI)

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش مدل در مجموع از وضعیت مطلوبی بهره‌مند شده‌اند و بنابراین پاسخ به فرضیات پژوهش بلامانع است. شاخص R^2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درون‌زا را نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیر پرخاشگری کودکان در مدل پژوهش ۰/۵۰ است که نشان می‌دهد متغیرهای برون‌زا و میانجی، می‌توانند ۵۰ درصد از تغییرات پرخاشگری کودکان را پیش‌بینی کنند. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد شده مدل پژوهش در شکل (۱) و جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: ضرایب و معناداری اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	t	sig
پرخاشگری	هوش هیجانی مادران	مستقیم	-۰/۴۹	-۰/۲۹	-۶/۴۱	۰/۰۰۱
پرخاشگری	تنظیم هیجانی انطباقی	مستقیم	-۰/۲۲	-۰/۱۵	-۳/۴۷	۰/۰۰۱
پرخاشگری	بی‌ثباتی هیجانی	مستقیم	۰/۴۹	۰/۵۰	۱۲/۰۷	۰/۰۰۱
تنظیم هیجانی انطباقی	هوش هیجانی مادران	مستقیم	۰/۴۵	۰/۴۱	۸/۱۱	۰/۰۰۱
بی‌ثباتی هیجانی	هوش هیجانی مادران	مستقیم	-۰/۵۷	-۰/۳۳	-۶/۵۹	۰/۰۰۱



شکل ۱: الگوی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد شده

در جدول (۵)، نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه اول و دوم پژوهش ارائه شده است. با توجه به نتایج، ارتباط هوش هیجانی مادران با پرخاشگری کودکان به صورت مستقیم برابر با $t = -6/41$ و $\beta = -0/29$ ، ارتباط تنظیم هیجانی انطباقی با پرخاشگری کودکان برابر با $t = -3/47$ و $\beta = -0/15$ و ارتباط بی‌ثباتی هیجانی و پرخاشگری کودکان برابر با $t = 12/07$ و $\beta = 0/50$ بود و در نتیجه فرضیه اول و دوم پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

جهت تجزیه و تحلیل فرضیه سوم پژوهش و بررسی نقش میانجی تنظیم هیجانی کودکان بین هوش هیجانی مادران و پرخاشگری کودکان از آزمون بوت‌استرپ^۱ استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول (۶) ارائه شده است.

^۱. Bootstrapping test

جدول ۶: ضرایب و معناداری اثر غیرمستقیم هوش هیجانی مادران بر پرخاشگری نوجوانان

متغیر	متغیر پیش بین	نوع اثر	شاخص	sig
ملاک			خطا	حد بالا
پرخاشگری	هوش هیجانی مادران	به واسطه‌ی تنظیم هیجانی انطباقی	بوت	حد پایین
			۰/۱۶۴	۰/۲۴۶
			۰/۰۴۴	۰/۱۰۱
پرخاشگری	هوش هیجانی مادران	به واسطه‌ی بی ثباتی هیجانی	خطا	حد پایین
			۰/۲۹۴	۰/۳۹۱
			۰/۰۵۶	۰/۲۰۷

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که حد پایین فاصله اطمینان برای تنظیم هیجانی انطباقی به‌عنوان متغیر میانجی بین هوش هیجانی مادران و پرخاشگری برابر با منفی ۰/۲۴۶ و حد بالای آن برابر با منفی ۰/۱۰۱ است. حد پایین فاصله اطمینان برای بی‌ثباتی هیجانی به‌عنوان متغیر میانجی بین هوش هیجانی مادران و پرخاشگری برابر با منفی ۰/۳۹۱ و حد بالای آن برابر با منفی ۰/۲۰۷ است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵ درصد و تعداد نمونه‌گیری بوت استراپ، ۲۰۰۰ است. با توجه به اینکه صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد، بنابراین تنظیم هیجانی انطباقی و بی‌ثباتی هیجانی در رابطه بین هوش هیجانی مادران و پرخاشگری کودکان پیش دبستانی نقش میانجی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه، بررسی رابطه هوش هیجانی مادران و پرخاشگری کودکان با نقش میانجی تنظیم هیجانی در کودکان پیش دبستانی بود. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش نوع الگویابی تحلیل مسیر استفاده شد، جامعه آماری شامل مادران کودکان پیش دبستانی مناطق دو و سه شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. ۲۳۵ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و داده‌ها از طریق سه ابزار استاندارد شامل پرسش‌نامه هوش هیجانی شرینگ (۱۹۹۶)، سیاهه تنظیم هیجان شیلدز و سیپتی (۱۹۹۷) و پرسش‌نامه پرخاشگری واحدی و همکاران (۲۰۰۸) گردآوری شدند. داده‌ها با نرم‌افزار AMOS و آزمون تحلیل مسیر تحلیل گردیدند.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری فرضیه اول نشان داد که هوش هیجانی مادران با پرخاشگری کودکان رابطه منفی معناداری دارد؛ بدین صورت که با افزایش هوش هیجانی مادران رفتارهای پرخاشگری در کودکان کاهش می‌ابد. این نتایج با نتایج پژوهش انجام شده توسط مستوفی و همکاران (۲۰۱۸) همسو بود که نشان دادند پرخاشگری کودکان با طحواره‌های هیجانی ناسازگار مادران رابطه معنادار دارد. مادران با هوش هیجانی بالا قادرند احساسات خود را بهتر مدیریت کنند و به تبع آن، به راهنمایی فرزندان خود در تنظیم هیجانی بپردازند. مادران با هوش هیجانی بالا بیشتر قادرند پاسخ‌های هیجانی مناسبی به نیازهای هیجانی فرزندان خود بدهند و از این طریق از حمایت عاطفی و تأیید هیجانی در محیطی پرورش‌دهنده برخوردار شوند (کابلو و همکاران، ۲۰۲۱). وقتی این مادران تنظیم هیجانی سازگار را مدل‌سازی می‌کنند، فرزندان‌شان می‌آموزند که چگونه احساسات دشوار مانند ناامیدی، عصبانیت و دل‌سردی را مدیریت کنند که در نهایت باعث کاهش احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. پرخاشگری در کودکان اغلب زمانی بروز می‌کند که آن‌ها احساسات منفی زیادی دارند و مهارت‌های مقابله‌ای برای تنظیم آن‌ها ندارند.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری فرضیه دوم پژوهش نشان داد که بین تنظیم هیجان انطباقی کودکان و پرخاشگری رابطه منفی وجود دارد که این نتایج با پژوهش انجام شده توسط ناواس کاسدو و همکاران (۲۰۲۳) همسو بود که نشان دادند تنظیم هیجانی با رفتارهای پرخاشگری رابطه معنادار دارد و همچنین پژوهش کرفت و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که کودکانی که از تنظیم هیجانی انطباقی استفاده می‌کنند، کمتر رفتار پرخاشگری را بروز می‌دهند. کودکانی که قادرند احساسات خود را به طور مؤثر تنظیم کنند چه با آرام

کردن خود در مواقع ناراحتی و چه با استفاده از استراتژی‌های شناختی برای بازسازی تجربیات هیجانی خود، کمتر احتمال دارد که ناامیدی خود را از طریق پرخاشگری بیان کنند. تنظیم هیجانی انطباقی به کودکان کمک می‌کند تا پاسخ‌های هیجانی خود را به روشی کنترل شده مدیریت کنند و احتمال اینکه در مواجهه با ناامیدی، دلسردی یا تعارضات، رفتار پرخاشگرانه‌ای نشان دهند، کاهش می‌یابد (گویتز و همکاران، ۲۰۲۳). پرخاشگری اغلب واکنشی است به احساسات سنگینی که کودکان قادر به مدیریت آن‌ها نیستند و با توسعه مهارت‌های تنظیم هیجانی سازگار، کودکان بهتر می‌توانند با احساسات دشوار کنار بیایند و از پرخاشگری جسمی یا کلامی خودداری کنند.

همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل آماری فرضیه سوم پژوهش نشان داد که تنظیم هیجانی انطباقی کودکان نقش میانجی در رابطه بین هوش هیجانی مادر و پرخاشگری کودکان ایفا می‌کند که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط سان و همکاران (۲۰۲۴)، بیازیت و همکاران (۲۰۲۴)، نیدا و همکاران (۲۰۲۴) و لی و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. هوش هیجانی مادر این امکان را به او می‌دهد که بیشتر به حالات و نیازهای هیجانی فرزندانش توجه کند که این توانایی زمینه‌ای برای آموزش به کودکان برای ابراز و مدیریت مناسب احساساتشان فراهم می‌آورد. این آگاهی هیجانی و پاسخ‌دهی از سوی مادر به فرزند کمک می‌کند تا استراتژی‌های مثبت تنظیم هیجانی مانند تنفس عمیق، تکنیک‌های خودآرام‌سازی و استراتژی‌های حل مسئله را درونی‌سازی کند (کابلو و همکاران، ۲۰۲۱). این نتیجه با نظریه یادگیری اجتماعی^۱ همخوانی دارد که نشان می‌دهد کودکان از طریق مدل‌سازی، رفتارهای تنظیم هیجانی را می‌آموزند. وقتی مادران قادرند واکنش‌های هیجانی آرام و سازگار را مدل‌سازی کنند، کودکان این رفتارها را مشاهده و تقلید می‌کنند. با گذشت زمان، این مدل‌سازی باعث توسعه مهارت‌های خودتنظیمی می‌شود که برای مدیریت احساسات کودکان به روشی اجتماعی قابل قبول و مؤثر ضروری است (موریس و همکاران، ۲۰۰۷).

در نهایت نتایج نشان دادند که بی‌ثباتی هیجانی کودکان نقش میانجی در ارتباط بین هوش هیجانی مادر و پرخاشگری کودکان دارد. مطالعه چانگ و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که فرزندپروری سخت‌گیرانه با بی‌ثباتی هیجانی کودکان در ارتباط است و بی‌ثباتی باعث رفتار پرخاشگرانه در کودکان می‌شود. مادرانی که هوش هیجانی بالایی دارند به فرزندان خود کمک می‌کنند تا ثبات هیجانی بیشتری را تجربه کنند. بی‌ثباتی هیجانی در کودکان با دشواری در مدیریت احساسات شدید یا نوسانی مشخص می‌شود که به واکنش‌های تکانشی و بروزهای هیجانی منجر می‌شود (ریسما و همکاران، ۲۰۲۲). کودکانی که از بی‌ثباتی هیجانی رنج می‌برند ممکن است در تنظیم احساسات خود دچار مشکل شوند و بیشتر در معرض پرخاشگری، اضطراب یا مشکلات رفتاری دیگر قرار گیرند. مادران با هوش هیجانی بالا بیشتر قادرند محیط هیجانی امنی ایجاد کنند که در آن فرزندان احساس راحتی کرده و بتوانند بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، احساسات خود را بیان کنند. این امنیت هیجانی به کودکان کمک می‌کند تا احساسات خود را به طور مؤثرتری مدیریت کنند و احتمال بی‌ثباتی هیجانی آن‌ها کاهش یابد (لین و همکاران، ۲۰۲۲). رابطه منفی بین هوش هیجانی مادر و بی‌ثباتی هیجانی در کودکان از این نظر حمایت می‌کند که مادران با هوش هیجانی بالا می‌توانند از بی‌نظمی هیجانی و مشکلات رفتاری مرتبط با آن در کودکان خود، از جمله پرخاشگری، محافظت کنند. با ترویج آگاهی هیجانی و تنظیم آن، این مادران به فرزندان خود کمک می‌کنند تا تاب‌آوری هیجانی بیشتری پیدا کنند (ژنگ و همکاران، ۲۰۲۲). مادرانی که هوش هیجانی پایینی دارند ممکن است در ارائه هدایت هیجانی و حمایت لازم برای توسعه مهارت‌های مؤثر تنظیم هیجانی در کودکان خود مشکل داشته باشند. این مادران ممکن است کمتر به نیازهای هیجانی کودکان خود واکنش نشان دهند که می‌تواند مانع از توانایی کودک در درک و مدیریت هیجاناتش شود (بردی و همکاران، ۲۰۲۳). در نتیجه، کودکان ممکن است با بی‌ثباتی هیجانی روبه‌رو شوند که با نوسانات خلقی، دشواری در کنترل فوران‌های هیجانی و افزایش ناامیدی مشخص می‌شود. بی‌ثباتی هیجانی باعث می‌شود که

^۱ Social learning theory

کودکان بیشتر در موقعیت‌های احساسی پرتنش از خود رفتارهای پرخاشگرانه نشان دهند. زمانی که کودکان قادر به تنظیم هیجانات خود نباشند، اغلب به صورت تکانشی یا پرخاشگرانه واکنش نشان می‌دهند، به ویژه زمانی که با موقعیت‌های احساسی فراگیر روبه‌رو شوند. بنابراین، بی‌ثباتی هیجانی رابطه بین هوش هیجانی مادر و پرخاشگری کودکان را در جهت مخالف میانجی‌گری می‌کند. در حالی که هوش هیجانی مادر می‌تواند از بی‌ثباتی هیجانی جلوگیری کند، خود بی‌ثباتی هیجانی به طور مستقیم با افزایش خطر پرخاشگری مرتبط است.

باید توجه داشت این پژوهش در جامعه کودکان پیش دبستانی مناطق دو و سه شهر تهران صورت گرفته است، به همین دلیل در تعمیم نتایج به کل جامعه باید احتیاط کرد. در این پژوهش نیز متغیرهای مداخله‌گر از قبیل فرآیندهای ذهنی و درونی نیز سبب تأثیر نحوه پاسخگویی شرکت‌کنندگان شده است. آخرین محدودیت مربوط به استفاده از طرح همبستگی بود که به داده‌های جمع‌آوری شده در مقطعی از زمان بستگی داشت و مانع دستیابی به تفسیرهای علیتی دقیق شد. پیشنهاد کاربردی پژوهش حاضر این است که مشاوران و همچنین خانواده‌ها به نقش تنظیم هیجانی در کودکان پیش دبستانی به خصوص کودکان پرخاشگر اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. پیشنهاد پژوهشی تحقیق حاضر این است که به منظور افزایش میزان تعمیم‌پذیری نتایج علاوه بر استفاده از روش‌های دیگر نمونه‌گیری، پژوهش‌های مشابهی نیز در نمونه‌های دیگر و با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت اجرا شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مطالعه با رعایت کدهای اخلاقی انجام پژوهش‌های انسانی صورت گرفته است.

حامی مالی

مطالعه حاضر حامی مالی ندارد.

سهم نویسندگان

نویسنده اول وظیفه نگارش مقاله و نویسنده دوم نظارت بر اجرا و بازبینی مقاله و تجزیه و تحلیل داده‌ها را برعهده داشتند.

تضاد منافع

این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافی تعارض ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی افرادی که با مشارکت خود در این مطالعه، در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه قدردانی می‌کنند.

References

- Beyazit, U., Yurdakul, Y., & Ayhan, A. B. (2024). The mediating role of trait emotional intelligence in the relationship between parental neglect and cognitive emotion regulation strategies. *BMC Psychology*, 12(1), 314. [10.1186/s40359-024-01817-3](https://doi.org/10.1186/s40359-024-01817-3)
- Blok, E., Geenjaar, E. P., Geenjaar, E. A., Calhoun, V. D., & White, T. (2022). Neurodevelopmental trajectories in children with internalizing, externalizing and emotion dysregulation symptoms. *Frontiers in Psychiatry*, 13, 846201. [10.3389/fpsyt.2022.846201](https://doi.org/10.3389/fpsyt.2022.846201)
- Brady, R. G., Donohue, M. R., Waller, R., Tillman, R., Gilbert, K. E., Whalen, D. J., ... & Luby, J. L. (2023). Maternal emotional intelligence and negative parenting affect are independently associated with callous-unemotional traits in preschoolers. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 32(11), 2303-2311. [10.1007/s00787-022-02074-8](https://doi.org/10.1007/s00787-022-02074-8)
- Brajša-Žganec, A. (2014). Emotional life of the family: Parental meta-emotions, children's temperament and internalising and externalising problems. *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pitanja*, 23(01), 25-45. [Link](#)

- Brinckman, B., Kwon, K., Azen, R., & Lease, M. (2025). Supportive teacher responses to students' emotional expression moderate the association between children's maladaptive emotion regulation and aggression. *School Psychology Review*, 54(4), 469-481. [10.1080/2372966X.2024.2315023](https://doi.org/10.1080/2372966X.2024.2315023)
- Cabello, R., Gómez-Leal, R., Gutiérrez-Cobo, M. J., Megías-Robles, A., Salovey, P., & Fernández-Berrocal, P. (2023). Ability emotional intelligence in parents and their offspring. *Current Psychology*, 42(4), 3054-3060. [10.1007/s12144-021-01617-7](https://doi.org/10.1007/s12144-021-01617-7)
- Chang, L., Schwartz, D., Dodge, K. A., & McBride-Chang, C. (2003). Harsh parenting in relation to child emotion regulation and aggression. *Journal of Family Psychology*, 17(4), 598-606. [10.1037/0893-3200.17.4.598](https://doi.org/10.1037/0893-3200.17.4.598)
- Eisenberg, N., Gershoff, E. T., Fabes, A. R., Shepard, S. A., Cumberland, A. J., S H Losoya & Guthrie, I. K. (2001). Mothers' emotional expressivity and children's behavior problems and social competence: mediation through children's regulation. *Dev Psychol*, 37(4), 475-490. [10.1037//0012-1649.37.4.475](https://doi.org/10.1037//0012-1649.37.4.475)
- Garner, P. W., Dunsmore, J. C., & Southam-Gerrow, M. (2008). Mother-child conversations about emotions: Linkages to child aggression and prosocial behavior. *Social Development*, 17(2), 259-277. [10.1111/j.1467-9507.2007.00424.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2007.00424.x)
- Golchian, R., & Hoseininasab, S. D. (2013). Comparison of behavioral problems in children of mothers with high and low emotional intelligence. *Education and Evaluation (Educational Sciences)*, 6(24), 13-24. [Persian] [Link](#)
- González, M. R., Primé-Tous, M., Bondelle, E. V., Vázquez-Morejón, A., Santamarina, P., Morer, A., & Lázaro, L. (2021). Parents' emotional intelligence and their children's mental health: A systematic review. *Journal of Psychiatry and Psychiatric Disorders*, 5(2), 58-75. [10.26502/jppd.2572-519X0134](https://doi.org/10.26502/jppd.2572-519X0134)
- Gutiérrez-Cobo, M. J., Megías-Robles, A., Gómez-Leal, R., Cabello, R., & Fernández-Berrocal, P. (2023). Emotion regulation strategies and aggression in youngsters: The mediating role of negative affect. *Heliyon*, 9(3), e14048. [10.1016/j.heliyon.2023.e14048](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e14048)
- Hasani, E., Rezaei Fard, A., Eftekhari, H. (2025). Effectiveness of parenting management training to mothers on impulsivity and empathy of primary school students with attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Childhood Health and Education*. 6(1) .[10.32592/jeche.6.1.49](https://doi.org/10.32592/jeche.6.1.49)
- Hosseini, M., Kakavand, A., & Shiri, E. (2024). Effectiveness of parent-child relationship-based play therapy on maternal sensitivity and parental stress in preschool children with emotional and behavioral problems during the COVID-19 pandemic. *Journal of Early Childhood Health and Education*, 5(4). [Persian]. [10.32592/jeche.5.4.196](https://doi.org/10.32592/jeche.5.4.196)
- Jiménez-Pérez, E., de Vicente-Yagüe Jara, M. I., Gutiérrez-Fresneda, R., & García-Guirao, P. (2021). Sustainable education, emotional intelligence and mother-child reading competencies within multiple mediation models. *Sustainability*, 13(4), 1803. [10.3390/su13041803](https://doi.org/10.3390/su13041803)
- Kraft, L., Ebner, C., Leo, K., & Lindenberg, K. (2023). Emotion regulation strategies and symptoms of depression, anxiety, aggression, and addiction in children and adolescents: A meta-analysis and systematic review. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 30(4), 485. [10.1037/cps0000156](https://doi.org/10.1037/cps0000156)
- Lau, E. Y. H., & Williams, K. (2022). Emotional regulation in mothers and fathers and relations to aggression in Hong Kong preschool children. *Child Psychiatry & Human Development*, 53(4), 797-807. [Link](#)
- Lee, J. K., Marshall, A. D., & Feinberg, M. E. (2022). Parent-to-child aggression, intimate partner aggression, conflict resolution, and children's social-emotional competence in

- early childhood. *Family Process*, 61(2),823-840. [10.1111/famp.12701](https://doi.org/10.1111/famp.12701)
- Lin, G. X., Szczygieł, D., & Piotrowski, K. (2022). Child-oriented perfectionism and parental burnout: The moderating role of parents' emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 198,111805. [10.1016/j.paid.2022.111805](https://doi.org/10.1016/j.paid.2022.111805)
- Liu, F., Yu, T., Xu, Y., & Che, H. (2023). Psychological maltreatment and aggression in preadolescence: Roles of temperamental effortful control and maladaptive cognitive emotion regulation strategies. *Child Abuse & Neglect*, 135,105996. [10.1016/j.chiabu.2022.105996](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2022.105996)
- Lusiyah Simanjuntak, H. (2022). The effect of project method and self-concept on emotional intelligence of children age 5–6 years. *Jurnal Obsesi: Jurnal Pendidikan Anak Usia Dini*, 6(6), 6006–6016. [10.31004/obsesi.v6i6.2819](https://doi.org/10.31004/obsesi.v6i6.2819)
- Mohamadzade, R., Hasannataj, F & Taghipour javan, A. A. (2025). The Effectiveness of the Floortime Program on Behavioral Problems and Parent-child Interaction in Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Journal of Childhood Health and Education*. 5(4),161-171. [10.32592/jeche.5.4.161](https://doi.org/10.32592/jeche.5.4.161)
- Morales, M. F., MacBeth, A., Nagin, D., & Girard, L. C. (2024). Developmental trajectories of aggression, hyperactivity/inattention, and anxious depressed mood: Co-occurring problems within a Chilean context. *Current Psychology*, 43(5),3928-3943. [10.1007/s12144-023-04530-3](https://doi.org/10.1007/s12144-023-04530-3)
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L., Myers, S. S., & Robinson, L. R. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Social Development*, 16(2),361-388. [10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x)
- Mostofi, S., Deyreh, E., & Moghtader, L. (2018). Prediction of aggressive behavior in children with hearing impairment based on mothers' maladaptive emotional schemas. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*, 8,103. [Link](#)
- Muarifah, A., Mashar, R., Hashim, I. H. M., Rofiah, N. H., & Oktaviani, F. (2022). Aggression in adolescents: The role of mother-child attachment and self-esteem. *Behavioral Sciences*, 12(5), 147. [10.3390/bs12050147](https://doi.org/10.3390/bs12050147)
- Nærde, A., Janson, H., & Stoolmiller, M. (2024). Modeling trajectories of physical aggression from infancy to pre-school age, their early predictors, and school-age outcomes. *PLOS ONE*, 19(6),e0291704. [10.1371/journal.pone.0291704](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0291704)
- Najmi, M., Ghorban Jahromi, R., Saadipour, E., & Karimzadeh, M. (2024). Effectiveness of parent-child relationship-based play therapy on maternal sensitivity and parental stress in preschool children with emotional and behavioral problems during the COVID-19 pandemic. *Journal of Early Childhood Health and Education*, 5(4). [Persian] [10.32592/jeche.5.4.184](https://doi.org/10.32592/jeche.5.4.184)
- Navarro, R., Larrañaga, E., Yubero, S., & Villora, B. (2022). Families, parenting and aggressive preschoolers: A scoping review of studies examining family variables related to preschool aggression. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(23),15556. [10.3390/ijerph192315556](https://doi.org/10.3390/ijerph192315556)
- Navas-Casado, M. L., García-Sancho, E., & Salguero, J. M. (2023). Associations between maladaptive and adaptive emotion regulation strategies and aggressive behavior: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*,71,101845. [10.1016/j.avb.2023.101845](https://doi.org/10.1016/j.avb.2023.101845)
- Nida, S., Kurniawan, M. R., & Sugitanata, A. (2024). The role of parental emotional intelligence in enhancing children's resilience after divorce: An analysis based on Maqāsid al-Sharī'ah. *The Indonesian Journal of Islamic Law and Civil Law*, 5(2),193-212. [10.51675/ijil%20and%20cil.v5i2.910](https://doi.org/10.51675/ijil%20and%20cil.v5i2.910)
- Paulus, F. W., Ohmann, S., Möhler, E., Plener, P., & Popow, C. (2021). Emotional

- dysregulation in children and adolescents with psychiatric disorders: A narrative review. *Frontiers in Psychiatry*, 12, 628252. [10.3389/fpsyt.2021.628252](https://doi.org/10.3389/fpsyt.2021.628252)
- Pirahmadi, M., & Zeinali, A. (2024). The role of child's temperament and mother-child emotional bonding in predicting the anxiety of 3 to 6-year-old children of working mothers. *Journal of Early Childhood Health and Education*, 4(18), 150–160. [Persian]. [10.32592/jече.5.4.150](https://doi.org/10.32592/jече.5.4.150)
- Reitsema, A. M., Jeronimus, B. F., van Dijk, M., & de Jonge, P. (2022). Emotion dynamics in children and adolescents: A meta-analytic and descriptive review. *Emotion*, 22(2), 374. [10.1037/emo0000970](https://doi.org/10.1037/emo0000970)
- Rezaeifard, A., Hassani, E., & Eftekhari, H. (2025). The effectiveness of parent management training for mothers on impulsivity and empathy of elementary school students with attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Early Childhood Health and Education*, 6(1), 49-63. [Persian] [Link](#)
- Saifi, A., Aghajani, A., & Jafarian Yasar, H. (2024). The effectiveness of teaching methods of behavior changes and correction to mothers on the level of aggression in hyperactive children with the role of modulating mothers' anxiety. *Journal of Early Childhood Health and Education*, 3(17), 104-117. [Persian] [Link](#)
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1997). Emotion regulation among school-age children: The development and validation of a new criterion Q-sort scale. *Developmental psychology*, 33(6), 906. [10.1037//0012-1649.33.6.906](https://doi.org/10.1037//0012-1649.33.6.906)
- Shirmohammadi, F., Mousavi, N., Kakavand, A., Abbasi, N., Dabiri, T. (2024). The mediating role of parental stress in the relationship between mindful parenting and behavioural problems in preschool children. *Journal of Childhood Health and Education*. 5(1), 67-79. [10.32592/jече.5.1.67](https://doi.org/10.32592/jече.5.1.67)
- Silva, C., Moreira, P., Moreira, D. S., Rafael, F., Rodrigues, A., Leite, Â., ... & Moreira, D. (2024). Impact of adverse childhood experiences in young adults and adults: A systematic literature review. *Pediatric Reports*, 16(2), 461-481. [10.3390/pediatric16020040](https://doi.org/10.3390/pediatric16020040)
- Siregar, K. Z. S., & Sit, M. (2024). The role of parents in early childhood social emotional development. *Continuous Education: Journal of Science and Research*, 5(2), 143-150. [10.51178/ce.v5i2.1904](https://doi.org/10.51178/ce.v5i2.1904)
- Sun, Y., Lam, C. B., & Cheung, R. Y. (2024). Child surgency and child aggression: The moderating effect of parental nurturance, emotion coaching, and family income. *Children and Youth Services Review*, 158, 107484. [10.1016/j.childyouth.2024.107484](https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107484)
- Tremblay, R. E., Nagin, D. S., Séguin, J. R., Zoccolillo, M., Zelazo, P. D., Boivin, M., ... & Japel, C. (2004). Physical aggression during early childhood: Trajectories and predictors. *Pediatrics*, 114(1), e43–e50. [10.1542/peds.114.1.e43](https://doi.org/10.1542/peds.114.1.e43)
- Vahedi, S., Fathi Azar, E., Hosseini Nasab, Davood., Moghadam, M. (2008). Investigation of the reliability and validity of the preschool aggression scale and assessment of aggression in preschool children in Urmia. *Quarterly Journal of Principles of Mental Health*, 37.25. [Persian] [Link](#)
- Zheng, Y., Cai, D., Zhao, J. L., Yang, C., Xia, T., & Xu, Z. (2021). Bidirectional relationship between emotional intelligence and perceptions of resilience in young adolescents: A twenty-month longitudinal study. *Child & Youth Care Forum*, 50(2), 363-377. [10.1007/s10566-020-09578-x](https://doi.org/10.1007/s10566-020-09578-x)